

انتخابات در ایالات متحده یعنی کشك !

به قلم : لیندا ایوریل Linda Averill

Information Clearing House 22.10.2008

مترجم : فریدون گیلانی

gilani@f-gilani.com

www.f-gilani.com

صد میلیون انسان ساکن ایالات متحده که نمی توانند رای بدهند ، برای باطل کردن اثر جادو گری های انتخاباتی ، پیام های نیشدار فرستاده اند .

لژیون های مردم در انتخابات ایالات متحده ، حالا هر انتخاباتی ، شرکت نمی کنند . اما نه به این دلیل که نسبت به سرنوشت جامعه بی اعتنا شده باشند ، یا بخواهند فقط به این وسیله ابراز انزجار کنند . اینان در واقع رای عدم اعتماد خود به قدرت غالب را به سیستم الکترا ل می سپرند .

هدف واقعی انتخاباتی که در ایالات متحده انجام می شود ، این است که سیاستمداران عده بیشتری از مردم را برای حقانیت دادن به اختیارات خود جمع کنند . پس از آن است که می توانند ما را به جنگ هائی که خود در موردش تصمیم می گیرند بکشانند و در قلب ذوب شدن اقتصادی ، دلارهای مالیاتی را به عنوان تضمین به بانکدارانی که بزرگترین حامیان مالی جریان انتخاباتی خود آنانند اختصاص دهند . این اتفاق ، همیشه و در همه ی سطوح دولتی ، از انتخابات انجمن های شهر بگیرد تا کاخ سفید ، می افتد .

وقتی زبان شورش را نمی شنوند ، خود داری از شرکت در انتخابات تبدیل به رای مردمی می شود که جایی در جریان نمایندگی ندارند « باد وود Bud wood » و بلاگ نویسی که با مردم بی علاقه به رای دادن بحث کرده ، نتیجه ی مباحث خود را به این صورت اعلام کرده است که « فرق چندانی نمی کند که چه کسی و چگونه وارد کاخ سفید شود . نتیجه کار همیشه یکسان است . »

کدام دموکراسی ؟ دموکراسی برای چه ؟ صد میلیون انسان در ایالات متحده نمی توانند رای بدهند . اینان مردم مغلوبی هستند که به لحاظ اقتصادی از امتیاز و حق رای دادن محرومند . اینان مردم فقیر ، جوان ، ناتوان ، بیکار و متولد خارج از ایالات متحده اند که بخصوص آسیائی ها و آمریکای لاتینی ها را شامل می شوند .

از این گذشته ، فقط 48 در صد از مردمی که زیر خط در آمد سالیانه زندگی می کنند به پای صندوق های رای می روند . این رقم را مقایسه کنید با 77 در صد کسانی که در آمد سالیانه شان بالای 50 هزار دلار است . ضمناً ، 15 در صد آن هائی که در آمد سالیانه شان بالای 100 هزار دلار است شرایط رای دادن را دارند که فقط 19 در صدشان مشتری صندوق های رای گیری اند که مختص طبقه مرفه است . و این در صد تا سطح کسانی که ثروت را انباشت کرده اند ، بالا می رود .

اما حتی رای دهندگان فعال از انتخابات رو برگردانده اند. تحقیقاتی به نام « رای دهندگان نا پدید شده» نشان می دهد که رای دهندگان بی علاقه و مردد یکسانند . بیش از 75 در صد احساس می کنند که « نامزد ها حرف های قشنگ می زنند که انتخاب شوند . » بیش از يك سوم بر آنند که «اغلب سیاستمداران دروغگو و حيله گرند . » تنها بیانیه ای که در میان محرومان از حق رای به صورت دو برابر مورد حمایت و تائید قرار گرفت ، این بود که « جمهوری خواهان و دموکرات ها مثل هم اند . »

واقعیت جزاین نیست . کله گنده های هر دو حزب (که راس هرم سرمایه داری بزرگ صنعتی و مالی ایالات متحده و جهان تحت سلطه ی آن را تشکیل می دهند - م) ، دستور کار را از بالا دیکته می کنند . در سال 2008 ، باراک اوباما و جان مک کین با صرف نیم میلیارد دلار ، رکورد تازه ای در تاریخ هزینه های انتخاباتی ایالات متحده از خود به جا گذاشته اند . « گولدمن ساکس Goldman Sacks » و « جی پی مورگان J. P. Morgan » قهرمانان بانکداری و ایجاد اختلال در سرمایه گذاری ، در راس حامیان مالی اوباما و معاون او « بایدن » قرار دارند که خوب ، این بهترین کارت اعتباری برای تقلب و حيله گری است . « اکسون Exxon » و « شرون Chevron » (دو شرکت بزرگ نفتی ایالات متحده که با وجود تسلط برسیاست چپاول نفت جهان در سخته ی اخیر مالی کک شان هم نگزیده است - م) از مک کین و معاون او خانم پی لین Palin فرماندار آلاسکا که وعده ی حفاری در آن منطقه را داده است حمایت مالی کرده اند .

حتی دموکرات های جدید و جمهوریخواهان ، ورود به دولت را دشوار یافته اند . در سال 2006 ، 407 کرسی مجلس نمایندگان برای انتخاب مجدد خالی بودند که از آن میان تکلیف 383 کرسی از پیش قطعی بود . از میان آن 383 نماینده ای که ورودشان به مجلس نمایندگان قطعی بود ، 94 در صد شان به این دلیل توانستند کرسی ها را اشغال کنند که از پول کلان و رسانه های خبری برخوردار شدند . همه ی این نمایندگان ! بدون برخورد با هیچ گونه مخالفت و اعتراضی ! مبارزات ! انتخاباتی را پیش بردند . همین امر به آنان کمک کرد تا توجیه کنند که چگونه در انتخابات میان دوره ای نتیجه ی کار 40 در صد در خلال انتخابات وارونه از کار در آمد .

ضمنا ، رای دهندگان طبقه کارگر به حاشیه رانده شدند ، که از آن جمله بودند کارگران آمریکای لاتینی. تحقیقات در مورد آنان نشان داد که مساله و دغدغه های اساسی و ابتدائی این رای دهندگانی که از حق خود محروم شده اند ، « خریدن گاز و غذا ، » کار آمد نبودن و کافی نبودن مراقبت های پزشکی ، تحمل پرداخت هزینه های جنگ و اقامت بوده است . بنا به این تحقیق ، هیچ يك از احزاب جمهوریخواه و دموکرات ، در این موارد پایه ای هیچ اقدامی برای کارگران نکرده اند .

در ماه ژوئن ، سنای ایالات متحده 92 به شش 275/5 میلیارد دلار برای هزینه های جنگ را به تصویب رساند . مجلس نمایندگان هم 416 به 12 به آن رای داد .

در زمینه بهداشت و درمان ، مك كين و اوباما چشم به روی در آمد های سرشار صنایع پزشکی و دارو سازی بستند . در مورد مهاجران ، زاویه های برخورد از این هم فاجعه بارتر بود .

انتخابات را خیلی با شتاب صورت می دهند ! معمولا بسیاری از کسانی که از رای دادن پرهیز می کنند ، اگر فرصت و امکانش را داشته باشند رای می دهند . کشورهای دیگر ، يك روز را تعطیل می کنند تا مردم فرصت رفتن پای صندوق های رای را داشته باشند . اما در ایالات متحده چنین نیست .

در سال 2004 ، چهل و پنج در صد از کسانی که می خواستند رای بدهند ، به این دلیل که مشغول کار بودند ، خسته بودند ، در آن ساعات فشرده توانش را نداشتند ، یا بیمار بودند ، نتوانستند رای بدهند . دوازده در صد از این گروه اجتماعی هم به خاطر مسائل مربوط به ثبت نام ، نامناسب بودن محل های اخذ رای و ترابری شهری برای رسیدن به آن نقاط ، از این حق محروم شدند . ترجمه و فهمیدن هم مساله دیگری بود . یعنی این که میلیون ها تن از طبقه کارگر ، اصلا متوجه نمی شدند کارت الکتروال و پرسش هائی با آن حجم که سیاستمداران تهیه کرده بودند ، یعنی چه .

در فلوریدا ، رسوائی اوراق رای گیری کامپیوتری همچنان ادامه دارد و صندوق های رای گیری ساعت هفت بعد از ظهر تعطیل می شوند . در یکی از شهرهای ویرجینیا ، اخیرا به دانش آموزان حالی کرده اند که اگر بخواهند به آدرس مدرسه ی خود برای انتخابات ثبت نام کنند ، معاف از مالیات نخواهند بود . در ویسکانسین دادستان کل می خواهد تمام کسانی را که از ژانویه 2006 به این سو برای رای دادن ثبت نام کرده اند مورد رسیدگی قرار دهد . این اقدام یعنی طولانی تر کردن صف و پشیمان کردن مردم از ائتلاف وقت .

نمونه ها از این فهرست هم بسا بیشتر است . نژادپرستی منظم و پنهانی به ما می گوید که چرا اکثریت تحت ستمی که رای گیری را پوشالی می دانند ، از کارگران رنگین پوست تشکیل می شوند .

چهار تا پنج میلیون آمریکائی دیگری که عملا و کاملا دولتی از رای دادن محروم شده اند و اصلا انتخابات را قبول ندارند ، سی و شش در صدشان آفریقائی آمریکائی اند . آن هائی که سالیان دراز است در ایالات متحده زندگی می کنند و شهروند شناخته نشده اند ، با وجودی که باید همه ی تصمیم های دولتی را تحمل کنند و زیر بار آسیب های ناشی از آن بروند ، حق ندارند نماینده ای داشته باشند .

اصلا فکر حزب سوم را هم نکنید . با چنین شکافی که میان سیاستمداران ایالات متحده و مردم وجود دارد ، حزب سومی اصلا نمی تواند وجود داشته باشد . پول و قدرت دموکرات ها و جمهوریخواهان ، راه را بر زمینه های عمل حزب سوم بسته است . قوانین انتخاباتی را دو حزب حاکم نوشته اند و این قوانین اجازه نمی دهند احزاب اقلیت حتی سر از صندوق های رای در آورند .

مقررات خشم‌آگین و مهار گسیخته ، سانسور رسانه های خبری ، حمایت های مالی خصوصی از مبارزات انتخاباتی ، اختناق ، خفه کردن صداها و آدم کشی های مخفی به سبک هندی های قرن های هجدهم و نوزدهم که بسیار ظریف و بی سر و صدا صورت می گیرد ، برای سیاستمداران ایالات متحده این امکان را فراهم می کند تا کار رقابت با گروه های طرفدار طبقه کارگر را به حذف آنان از صحنه بکشانند . یکی از این رقبا ، حزب دموکرات است . گروه ها و احزاب رقیب ، حتی سبزه را هم که فقط طرفدار اصلاحاتی در سرمایه داری اند ، شامل می شود .

این مردم نیستند که به سوسیالیست ها یا سبزه را می دهند ، خود نظام و قدرت غالب به جای آن ها این وظیفه را انجام می دهد ! در انتخابات ایالات متحده « برنده همه آرا را از آن خود می کند » اگر سوسیالیست ها 20 در صد و سبزه ها 15 در صد رای بیاورند ، چون دموکرات ها 51 در صد رای آورده اند ، همه رای ها به حساب دموکرات ها منظور می شود !

اوضاع همیشه براین منوال نبود . در آغاز قرن بیستم ، سوسیالیست های طرفدار طبقه کارگر و ضد پلاتفرم های سرمایه داری ، در انتخابات ایالات متحده درخشیدند و در سراسر کشور بیش از 1200 کرسی نمایندگی را از آن خود کردند .

برای حذف و نابود کردن این خطر جدی ، دموکرات ها و جمهوری خواهان طرح شکار شرورانه ی آنان را ریختند و به اجرا در آوردند . به دفاتر حزب سوسیالیست هجوم بردند ، کرسی های نمایندگان طرفدار طبقه کارگر را غیر قانونی خواندند ، تندروها را به زندان افکندند و اساساً صندوق های رای را باطل اعلام کردند .

علنا گفتند هیچ مهم نیست که چه کسی رای آورده است ! پس از آن که این کشور علیه پادشاه انگلستان شورش کرد ، فقط عده ای سفید پوست که صاحب پول و املاک فراوان بودند حق رای داشتند . نبرد برای به حاشیه راندن کارگران بی زمین و سیاهان و زنان ، بی باکانه و در دراز مدت به پیش رفت . اساس نظرشان هم این بود که رای دادن دموکراسی را تامین می کند و این فرض ، راه رسیدن به جامعه ای بهتر را هموار خواهد کرد !

حتی اگر این فرض درست بود ، به جای دموکراسی و جامعه ی بهتر ، ثروت در دست عده خاصی از مردم انباشت شد که قدرت سیاسی هم پشتوانه اش بود .

نخبگان اقتصادی قوانین را می نویسند تا منافع خود را تامین کنند . کارل مارکس اسم این شیوه عمل را نظام بورژوا دموکراتیک در خدمت و برای سرمایه داری می گذارد . تضاد و نقطه ی مقابل این شیوه ، سوسیالیسم دموکراتیک است که می گوید اقتصاد و سیاست یعنی حاکمیت اکثریت که طبقه کارگر است .

امروزه ، ممکن است سیاستمداران کارورزان عادی به نظر برسند و خود را این گونه به جامعه معرفی کنند . به این معنی که تاریخ را نامزد دموکراتیک سیاه پوست و کاندیدای زنی که نامزد معاونت ریاست جمهوری جمهوریخواهان است می سازند .

اما امپراتوری زیر سلطه ی ستمگران هیچ تغییری نخواهد کرد .

هر دو حزب ، در جریان انتخابات حرف های قشنگ می زنند و خود را مدافع منافع مردم معرفی می کنند تا رای دهندگان را فریب بدهند که چه تفاوت فاحشی با دیگران دارند . انتخابات 2008 ، هیچ تفاوتی با بازی های قبلی نمی کند . شاید تفاوت های جزئی وجود داشته باشد ، اما هر کدام شان به کاخ سفید راه یابند ، وضع کارگران و مردم فقیر باز هم بدتر می شود ، حالا می خواهد رای داده باشند ، یا نداده باشند .

پاسخ اصلی در نظام اجتماعی جدید نهفته است . رسیدن به این پاسخ ، از طریق صندوق های رای گیری مقدور نیست . راه رسیدن به این پاسخ ، اقدام مصمم و رادیکال توده ها برای تغییر شرایط است .

اما رای شما بی ارزش نیست . پیام بفرستید . به اینان بگوئید که عوضی انتخاب کرده اید و دنبال نمایندگان واقعی مردم می گردید . اعتراض کنید ! اعتراض !

پس آن گاه پند بنیانگذار اتحادیه کارگری « مادر جونز » را آویزه گوش خود کنید . بیش از يك قرن پیش ، او اعلام کرده بود که « من هرگز رای نداشته ام ، ولی این کشور را تبدیل به جهنمی برای ستمگران کرده ام . شما نیازی به رای ندارید تا حلقه را بر ستمگران تنگ کنید ! شما به یقین و اعتماد به خویش و صدا نیاز دارید ! »

* * * * *

خانم لیندا ایوریل ، راننده اتوبوس و فعال اتحادیه کارگری است . برای حمایت از او، برایش ایمیل بفرستید :

LindaEAverill@peoplepc.com